



شناسنامه

عنوان اثر: نعمت جمهوری اسلامی
بر اساس گفتاری از: محمدصادق شهبازی
تنظیم و تدوین متن: محمدعلی شکرچی، رضا جلالی
تهیه شده در واحد تولیدمحتوای معاونت گفتمان‌سازی
و مطالبه‌گری سازمان بسیج‌دانشجویی
قیمت: ۳۰,۰۰۰ تومان
نوبت چاپ: اول / آذر ۱۴۰۱
چاپ: شرکت پیام‌آوران نشر روز
نشانی: تهران، خیابان طالقانی، تقاطع خیابان طالقانی و خیابان
مفتح، مجموعه فرهنگی ۱۳ آبان، سازمان بسیج‌دانشجویی



نعمت جمہوری اسلامی

بہ کلام محمد صادق شہبازی

فهرست

- نگاه از بالا، از بیرون و تاریخی به جمهوری اسلامی | ۸
- وقتی حکومت نباشد هیچ چیز باقی نمی‌ماند | ۱۱
- حکومت لازمه تحقق شروع حرکت به سمت آرمان‌هاست | ۱۸
- حفظ نظام حتی از حفظ معصوم و علما بالاتر است | ۲۵
- حفظ نظام چگونه محقق می‌شود؟ | ۳۴
- مدل و نظریه نظام انقلابی | ۴۵
- وفادار فداکار، راز ماندگاری جمهوری اسلامی | ۵۲
- حرکت به سمت آینده | ۵۵
- منابع | ۶۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ
الْكَافِرُونَ، هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ
عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱

◆ حجاب معاصرت و مجاورت

خیلی وقتها ما مثل ماهی درون آب هستیم که ارزش آن چه داریم و
حیاطمان به آن وابسته است، نمی فهمیم؛ چون تصویری از نبود آن نداریم
و خودمان درون محیطش هستیم؛ مگر این که آن را از دست بدهیم. با
حجاب معاصرت (هم‌زمانی) و حجاب مجاورت (هم‌جوار بودن)، درگیریم.
چون همیشه در مجاورت آن هستیم و درون آن زمان هستیم، ارزشش را
نمی فهمیم. خیلی نعمت‌ها هستند، تا وقتی که هستند اهمیتش را نمی
فهمیم. مثل همان روایت پیامبر که می گوید «نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ الْأَمْنُ وَ
الْعَافِيَةُ»^۲ دو نعمت برای افراد ناشناخته است امنیت و سلامتی یا در جایی
دیگر «الصَّحَّةُ وَ الْفَرَاغُ»^۳ سلامتی و آسایش و راحتی. مریض که شدیم،

۱. قرآن کریم، سوره صف، آیه ۸ و ۹: می خواهند نور خدا را با دهانهایشان (تبلیغات سوء) خاموش کنند ولی خداوند نور خود را کامل می کند، ولو اینکه کافران از آن بیزار باشند. اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین حق روانه کرد تا آن را بر هر چه دین است برتر سازد، هر چند مشرکان خوششان نیاید.

۲. محمد بن احمد، فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۷، ص ۴۷۲.

۳. محمدباقر مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۲۵، ص ۳۷۲.

امنیت که از بین رفت، مشغول که شدیم، همه متوجه می‌شوند که چه چیز بسیار مهم و با ارزشی در دست‌شان بوده است.

◆ نگاه از بالا، از بیرون و تاریخی به جمهوری اسلامی

یک وقتی آدم برای اینکه بفهمد با چه چیزی مواجهه است، باید از محیط پیرامونی و روزمرگی خارج بشود. زمان‌هایی لازم است که نگاه از بالا به پدیده‌ها داشته باشیم. زمان‌هایی ما آن‌قدر در ماجرا درگیر هستیم که باید برویم از بیرون و یا از بالا مشاهده کنیم، یا نگاه تاریخی پیدا کنیم و ببینیم که دیروز کجا بوده‌ایم و امروز به کجا رسیده‌ایم، ما در کجا هستیم و بقیه کجا هستند. این‌ها را باید بیاییم و با مشابه خودمان مقایسه بکنیم و جاهایی هم باید آن عرصه‌های بزرگ خارجی و بین‌المللی و درگیری‌های آن سطح را ببینیم.

داریم درباره چیزی به اسم نظام جمهوری اسلامی صحبت می‌کنیم. اهمیت این نظام جمهوری اسلامی برای نسل شما خیلی محسوس نیست، دلیل هم دارد؛ شما در یک دورانی به دنیا آمدید که نظام در شرایط استقرار است، از خیلی از چالش‌ها رد شده است. نسل ما هم اگر قبل انقلاب را ندیده بود؛ ولی پدران و مادران ما از این جهت که در دل انقلاب بودند و قبل از انقلاب را دیده بودند، زیاد خاطره‌هایی از آن دوران می‌گفتند و ما ذهنیت‌هایی داشتیم؛ به‌صورت نمونه پدرم از

برخورد مستشارهای امریکایی در نفت با خودش خاطره داشت. مثلاً می گفت مستشار آمریکایی جلوی من پایش را می گذاشت روی میز و به گونه‌ای رفتار می کرد که انگار کارمندان و کارگران و حتی مدیران نفت پیشخدمت او هستند. ما اینها را می شنیدیم. این الان برای نسل شما خیلی محسوس نیست، مخصوصاً که عمدتاً پدربزرگ و مادربزرگ‌های شماها هم سن و سال پدران و مادران ما هستند و شما زیاد با این حرف ها و خاطرات مأنوس نیستید. گرفتاری‌های درونی هم باعث می شود آن نگاه کلان و تاریخی را نداشته باشید.

پیشرفت‌های جمهوری اسلامی برای دوره سنی ما تا حدی مأنوس بود. مثلاً من هنوز که هنوز است، در تقویم سالروز تولد رویانا، بنیانا، شنگول و منگول و حنا، روز ارسال ماهواره بر امید، روز قطع رابطه ایران با آمریکا که الان از توی تقویم برداشته‌اند، روز پرتاب موشک سجیل و... را علامت زده‌ام. چرا این‌ها برای بخشی از نسل ما مهم است؟! چون در یک دوره‌ای زندگی کرده‌ایم که دوره‌ای بوده که از یک حزیض و ضعفی به یک عزتی رسیدیم. دوره‌ای که در آخر جنگ صفر کلوین^۴ بودیم، حتی صفر سانتیگراد هم نبود و همه چیز را باید از نو می ساختیم. ما این فرایند را دیدیم. آقای هاشمی رفسنجانی یک سخنرانی معروفی دهه شصت در مورد مترو دارند که با آبوتاب از ویژگی مترو در

۴. منفی دویست و هفتاد و سه درجه سانتیگراد.

غرب می‌گویند. کیهان بچه‌ها در انتهای دهه شصت و اول دهه هفتاد می‌خواست برای نسل ما رؤیا بسازد؛ مثلاً می‌نوشت در تهران سال هزار و سیصد و نود مترو هست، دیگر از پزشک تایلندی، فیلیپینی، هندی و پاکستانی خبری نیست و بقیه برای درمان به ایران می‌آید. در اصفهان المپیاد جهانی برگزار خواهد شد. همین چیزهایی که برای شما مسخره است یا محسوس نیست، آن ایام، آرزو بود. مثلاً همین مؤسسه رویان که رتبه دوم در درمان ناباروری در دنیا هستیم، شما ذهنیتی از اهمیتش ندارید؛ زمانی بود که هر چه زوج نابارور بودند، باید یک هزینه هنگفتی می‌دادند تا به یکی از این کشورهای اتحادیه اروپا یا امریکا می‌رفتند تا ناباروری‌شان درمان شود، خیلی‌ها هم تا آخر بدون بچه می‌ماندند. اما الآن درمان ناباروری رایج است.

◆ اگر حکومت نباشد ...

بسیاری از ما ارزش حکومت داشتن را متوجه نیستیم. وقتی حکومت نیست، وقتی نظامی نیست؛ نمی‌فهمیم یعنی چه؟ یک سریالی است به اسم Deutschland که در سه فصل آلمان شرقی را در ۱۹۸۳، ۱۹۸۶ و ۱۹۸۹ را باتکیه بر سیستم امنیتی‌شان روایت می‌کند. می‌بینید وقتی نظام آلمان شرقی به حوض رسیده و از بین رفت، طرفدارانش دلیل و آواره شدند. آدم تا آن شرایط را نبیند متوجه آنچه دارد نیست.

◆ تنها حکومت‌های اسلامی تاریخ

در طول تاریخ چند هزار ساله بعد از حضرت آدم ما تنها چند دوره کوتاه حکومت اسلامی و دینی داشته‌ایم، دوره‌های بسیار محدودی در جاهای محدودی انبیا و اولیا و مؤمنین قدرت داشتند، اما این‌طور هم نبوده که فراگیر یا پایدار باشد. مهم‌ترین بخش، حکومت چهل‌ساله حضرت سلیمان و چهل‌ساله حضرت داوود (بر اساس روایت عهد عتیق (تورات موجود)) است. بعضی مفسران برای حضرت ایوب، یوسف (در مقام عزیز مصر و نه فرعون)، موسی و هارون نیز حکومت قائل هستند. بعد شانزده سال و شش ماه و چند روز حکومت پیامبر اکرم (ص)، حکومت امام علی (ع) و امام حسن (ع) بوده است و یک دوره هم چهل و چهار سال حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است. بقیه‌اش را طاغوت حکومت کرده است.

◆ وقتی حکومت نباشد هیچ چیزی باقی نمی‌ماند ...

همه انبیا و اولیا الهی در طول تاریخ داشتند می‌جنگیدند که نظام داشته باشند، برای خیلی کمتر از این‌ها جنگیدند، مثلاً برای این که فقط مؤمنان کشته نشوند. اکثر این منطقه فعلی سوریه و لبنان شیعه بودند، ولی در دوره حاکمیت سلاطین ممالیک و عثمانی چنان سرکوبی علیه شیعه شد که به این وضع مفلوک فعلی افتادند و الآن مخصوصاً

در سوریه عملاً بی‌دین هستند. اصلاً با تبلیغ ضعف دین‌داری سوری‌ها توانستند تعداد زیادی از جهان اسلام را جذب داعش و جبهه‌النصره کنند و... چون حکومت نداشتند و با سرکوب و قدرت، اینها را کنار زده بودند و در شرایط سختی و تقیه و... در نهایت این‌چنین شدند. در خود اندلس هم شیعیان حضور داشتند؛ ولی چون حکومت اموی بود، شیعیان را سرکوب و تبعید می‌کردند. حالا جالب این است که ماجرای سقوط اندلس را شیعه روایت کرده است، شعر معروف «أَدْرِكْ بِخَيْلِكَ خَيْلَ اللَّهِ أَنْدَلِيسًا»^۵ را شیعه روایت کرده است که ماجرای اندلس را در جهان اسلام پخش کرد.

◆ اندلس تجربه‌ای از داشتن و نداشتن حکومت دینی

گذشته از شیعه، از اساس وقتی در همین اندلس حکومت مسلمان‌ها از بین رفت، چه بلایی بر سر مسلمان‌ها آمد؟ درست است که حکومت اموی بود؛ ولی جامعه مسلمین بودند و با عمل به برخی دستورات اسلام، یک جامعه بسیار پیشرفته بود. اولین پرواز انسان در آسمان به‌وسیله ابن‌فرناس، اکثر ابزارهای جراحی امروز، سیستم آبیاری جدید، دویست و شصت کارخانه ریسندگی و بافندگی در کوردوبا (قرطبه)، مهم‌ترین کارشناسان غذا و موسیقی تاریخی با محوریت زیراب هنرمند ایرانی، اصلاحات ارضی، کارخانه‌های دباغی، پوست، کاغذ، کارخانه‌های کشتی

۵. با اسبیت، که اسب خدایی است اندلس را درک کن. (به سمت اندلس بتاز)

سازی در سویل (اشبیلیه) و طرطوشه، هفتاد کتابخانه عمومی در کوردوبا، سه هزار و هشتصد و هفتاد و هفت مسجد، فلسفه، پزشکی، گیاه شناسی، داروسازی، جغرافیا و... رونق جدی داشت. تمدن اسلامی میانه بسیار پیشرفته بود. بروید کتاب‌های «هزار و یک اختراع میراث مسلمانان در جهان ما»، «اسلام در غرب: تاریخ اسلام در اروپای غربی»، «اسلام در اروپا»، «خدمات متقابل اسلام و ایران»، «دانش مسلمین»، «بامداد اسلام»، «کارنامه اسلام» و... را بخوانید تا ببینید جامعه مسلمین چه پیشرفت‌هایی داشته است. مسجد الحمراء بزرگ‌ترین مسجد جهان اسلام در اندلس بود، در زمانی که در اروپا حتی یک حمام نبود، نهصد حمام فقط در پایتخت اندلس بود. یک روزی تمدن مسلمین، حسرت غربی‌ها بود. پیشرفت‌های بسیار گسترده، اولین خیابان آسفالتی و سنگ‌فرش شده و فاضلاب‌دار و چراغ‌دار دنیا، سرزمینی که اکثریت مطلق ساکنانش سواد داشتند و ... ولی وقتی حکومت از دست رفت همه چیز با آن از بین رفت. تمامی مساجد را تبدیل به کلیسا کردند. تمام کتاب‌های عربی را از خانه‌ها جمع کردند و بیش از هشتاد هزار جلد کتاب را در کوردوبا و صدهزار جلد کتاب را بعدها در گرانا‌دا به دستور اسقف اعظم تولید و سوزاندند. وقتی حکومت از بین رفت دسته‌دسته مسلمانان را یا کشتند یا بسیاری‌شان را مجبور کردند که مهاجرت کنند یا تعدادی زیادی از مسلمانان مجبور شدند

دینشان را تغییر دهند و خلاصه به اسپانیا و پرتغال امروزی رسیدیم. فقط برای یک صحنه‌اش سقوط گرانادا را در فیلم «۱۴۹۲: فتح بهشت»^۶ ببیند! بعد از فروپاشی اندلس و بعدها تمدن اسلامی، حتی اقدامات مثبت مسلمان‌ها را در تاریخ حذف کردند. مهم حکومت است، اگر حکومت نداشته باشید همه این اتفاقات می‌افتد.

◆ علمای شیعه، سرکوب در لبنان و فرار به ایران

بعد که صفویه شکل گرفت، صفویه طاغوت بود، ولی علمای شیعه آن قدر در جبل‌العامل لبنان در سرکوب بودند که از فرصتی که صفویه می‌خواست مقابل عثمانی و صفویه هویت جدیدی بسازد از فرصت استفاده کردند و به ایران مهاجرت کردند. کتاب «مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی» را بروید مطالعه کنید! این‌ها یک جایی را پیدا کردند، با اینکه صفویه را بد می‌دانستند؛ ولی از این فرصت استفاده کردند و آن قدر روی اینها و جامعه ما کار کردند تا ما شیعه شدیم. محقق کرکی^۷، مجلسی اول^۸ و علامه محمدباقر مجلسی^۹، پدر شیخ بهائی^{۱۰} و خود شیخ بهائی^{۱۱} و... اینها فرار کردند و آمدند ایران.

6. 1492: Conquest of Paradise.

۷. علی بن حسین بن عبدالعالی کرکی جبل‌عاملی معروف به محقق ثانی (۸۶۵ یا ۸۷۰ ق-۹۴۰ ق)

۸. محمدتقی مجلسی (۱۰۰۳-۱۰۷۰ ق).

۹. علامه مجلسی دوم، صاحب کتاب بحارالانوار (۱۰۰۶ - ۱۰۷۷ ش).

۱۰. شیخ حسین بن عبدالصمدجبعی حرثی (۹۱۸-۱۰۲۰ ق).

۱۱. بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی (۹۲۵ش-۱۰۰۰ش) فیلسوف، فقیه، عارف، منجم، مهندس و... عصر صفویه که اختراعات مشهوری

از او تا کنون به جا مانده است.

اوضاع شیعه بدون حکومت گذشته از صدها سال سرکوب و قتل و غارت و ممنوعیت و... به گونه‌ای بود که شهید اول^{۱۲} برای اینکه شیعه را بتواند تأیید کند، رفت پیش چهل نفر علمای اهل تسنن درس خواند و اجازه روایت گرفت تا بتواند شیعه را تثبیت کند. بعد سرداران در منطقه سبزوار موفق شدند که یک حکومت شیعی شکل دهند، به ایشان گفتند که ما نمی‌دانیم که چه گونه حکومت را اداره کنیم. ایشان کتاب «اللَّمْعَةُ الدَّمِشْقِيَّةُ» را نوشتند، نمایندگان هم برای خویش در جیل عامل گماشتند، از او احساس خطر کردند او را با شمشیر کشتند، بعد به‌دار آویختند، بعد سنگسار کردند و آخر سر هم جنازه‌اش را سوزاندند. شهید ثانی^{۱۳}، که کتاب «الرُّوْضَةُ الْبَهِيَّةُ فِي شَرْحِ اللَّمْعَةِ الدَّمِشْقِيَّةِ» را نوشته و امروز طلبه‌ها آن را می‌خوانند، شهید کردند چون شبکه‌ای از شاگردانش تبلیغ می‌کردند و خطر به حساب می‌آمد. چندین هزار سال داشتیم برای این حداقل‌ها می‌جنگیدیم. یک روز صبح، بنی اسرائیل ۷۰ نفر از انبیا الهی را در بین‌الطلوعین یعنی از فجر صادق تا طلوع آفتاب کشتند، بعد هم خیلی راحت کسب و کارشان را از سر گرفتند انگار اتفاقی نیفتاده است.^{۱۴}

۱۲. محمدبن جمال‌الدین مکی عاملی (۷۳۴-۷۸۶ق) از علمای مشهور جیل‌عاملی.
۱۳. زین‌الدین بن نورالدین علی بن احمد عاملی جُبعی (۹۱۱-۹۵۵ یا ۹۶۵ق) از علمای مشهور جیل‌عاملی.
۱۴. محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۸، ص ۱۱۵-۱۱۶.

◆ سرکوب علوی‌ها به خاطر نبودن حکومت

در زمان عباسیان بسیاری از علویان (طرفداران نهضت سیاسی اهل بیت) را به شکل فجیعی کشتند. منصور دوانیقی دومین خلیفه عباسی در سال ۱۵۸ ه.ق. که می‌مرد، به همسر مهدی عباسی جانشینش، سردابی را معرفی کرد که هر دو به آنجا بروند. بعد که باز کردند دیدند صدها علوی را اعدام کرده و از بچه‌ها تا پیرمرد آنجا رها کرده و بر گوش هریک پلاکی زده‌اند، حال اینها بد شد و سپردند بالای آنجا مقبره‌ای بنا شود.^{۱۵} یک دوره بسیاری از سادات علوی را دستگیر کردند و اینها در سیاه‌چال نمی‌دانستند که روز شب چه زمانی است. یکی از اینها حافظ قرآن بود و در طول روز یک دور ختم قرآن می‌کرد به این طریق می‌فهمیدند. چه زمانی است تا بتوانند نماز بخوانند. زمانی بود که زنان شیعه فقط و فقط یک چادر داشتند و به ترتیب نماز می‌خواندند. حسن دیباج (محمد بن ابراهیم بن حسن ابن علی بن ابی طالب) را که بسیار زیبا بود، فراخواندند و منصور گفت جوری تو را می‌کشم که احدی، کسی را نکشته باشد و او را بین ستون‌هایی گذاشت و روی او بنایی کردند و او را زنده‌به‌گور کرد^{۱۶} و چنین سرکوب‌هایی که مدام علیه دیگران تکرار شد.

۱۵. محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۸، ص ۱۰۵.
۱۶. اسماعیل دمشقی، البدایة والنهائة، ج ۱۰، ص ۸۲.

◆ دعوا شیعه و سنی نیست!

در گذشته دعوی شیعه و سنی نبود، دعوا بر سر طاغوت‌ها بود. خیلی از کسانی که حتی نظرشان در مورد خلافت با شیعه متفاوت بود در این مسیر با شیعه همراهی می‌کردند. هر چهار رهبران مذاهب فقهی اهل تسنن همراه اهل‌بیت بودند. جناب ابوحنیفه که مشخصاً علوی بود، و به‌خاطر همراهی در قیام زید بن علی به شهادت رسید و با امام صادق ارتباط جدی داشت. جناب امام شافعی شعر دارد می‌گوید که «إِنْ كَانَ رَفُضاً حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ، فَلْيَشْهَدْ الثَّقَلَيْنِ أُنِّي رَافِضِي»، اگر محبت اهل‌بیت بیرون رفتن از دین است، جن و انس بدانند که من رافضی (بیرون رفته از دین) هستم. یا جناب مالک بن انس با امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) ارتباط نزدیک داشتند و از همه جالب‌تر برخلاف تصور ما جناب احمد بن حنبل دعوا کرد با بسیاری از اهل تسنن که حضرت علی را به‌عنوان خلیفه چهارم بپذیرند.^{۱۷} دعوا این بود که اهل‌بیت و یارانشان بنی‌امیه و بنی‌عباس را طاغوت می‌دانستند و می‌خواستند با ظلم مقابله کنند. اکثر امام‌زاده‌های ما برای این در کوه و کمر شهید شدند که به دنبال تشکیل حکومت بودند، نیت اهل‌بیت تشکیل حکومت بود، دعوا در کربلا سر حکومت اسلامی داشتن بود. کتاب «انسان دویست و پنجاه ساله» یا «هم‌زمان حسین (ع)» یا «دو امام مجاهد» رهبر انقلاب را

۱۷. علی آقائوری، اهل بیت و مخالفان، صص ۲۷۶-۲۸۵.

ببینید! جالب اینکه بسیاری از برادران و خواهران اهل تسنن در این نهضت همراه اهل بیت و مبارزان شیعی بودند. چون ماجرا شیعه و سنی نبود، حاکمیت اسلام و طاغوت بود. در همین روزها در تهران دانشجوی اهل تسننی از یکی از دانشگاه‌های اصلی را دیدم که در برابر اغتشاش گران سینه سپر کرده بود و این قدر کتکش زده بودند که صورتش از بالا تا پایین زخم شده بود.

◆ حکومت لازمه تحقق شروع حرکت به آرمان‌ها است.

حکومت نباشد حداقلی‌ترین چیزها هم نیست. زمانی در همین دانشگاه تهران مسلمان بودن این قدر پست بود که مسلمان‌ها در دستشویی گونی می‌انداختند نماز می‌خوانند تا کسی متوجه نماز خواندنشان نشود. کل دوران ماقبل تشکیل حکومت اسلامی ما در تقیه بودیم. حتی اظهار اولی‌ترین پایبندی‌های دینی با مشکل روبرو باشد. صحبت از آرمان‌ها یعنی حداکثرها متعلق و منوط به تشکیل حکومت اسلامی است. اصلاً شما بعد از حکومت است که می‌توانید از استقلال صحبت کنید. تا زمانی که حکومت نباشد شما نمی‌توانید عدالت را محقق کنید. شما بروید بگویید که می‌خواهم عدالت را محقق کنم، وقتی که شما چارچوب و قدرتش را نداشته باشید، اصلاً نمی‌توانید عدالت را محقق کنید. آزادی و جمهوریت

بعد از تشکیل حکومت معنی پیدا می‌کند. مظاهر فرهنگی بعد از حکومت اسلامی معنادار می‌شود. چون حکومت اسلامی هست می‌توانیم از برادران اهل تسنن در فلسطین دفاع کنیم. وگرنه نهضت جهانی اسلام در دوره طاغوت معنی نداشت. چرا خیلی از حکومت‌های کشور اسلامی پای ماجرای فلسطین نیستند؟ چراکه حکومتشان اسلامی نیست، نفی سبیل^{۱۸} و دفاع از دارالاسلام (سرزمین‌های اسلامی) مقابل دارالکفر را نمی‌فهمند. چرا ما حاضر هستیم پای فلسطین هزینه بدهیم؟ چون حکومتمان اسلامی است و دفاع از دارالاسلام وظیفه شرعی است. ما بعد از جمهوری اسلامی توانستیم به ماجرای فلسطین رسیدگی کنیم. تا قبل از آن طاغوت با اسرائیل همکاری می‌کرد.

ماه رمضان با یکی از رهبران مقاومت فلسطین صحبت می‌کردم، می‌گفت من اهل تسنن هستم، نظریه من هم امامت نیست؛ بلکه خلافت است. مثل شهید فتحی شقاقی، دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین، کتابی دارد تحت عنوان «امام خمینی تنها گزینه» که در آن می‌گوید که نظریه من خلاف است. آن فرد می‌گفت که ما دنبال خلافت هستیم، معتقدیم بعد از حسن بن علی، معاویه خلافت را به سلطنت تبدیل کرد و دیگر خلافت نداشتیم و من امروز حکومتی که در جمهوری اسلامی شکل گرفته را همان خلافت اسلامی می‌دانم. چراکه که یک حکومتی به نام اسلام با شاخص

۱۸. «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» یعنی خداوند راهی (سلطه‌ای) برای کافران بر مؤمنان قرار نداده است. (قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۱۴)

های اسلامی شکل گرفته است و شروع کرده به اجرای احکام اسلام مثل
مقابله با کفار.

◆ بدون حکومت نمی‌شود دین‌دار بود.

بعد از حکومت است که استقلال معنا پیدا می‌کند. آزادی بدون حکومت
معنا ندارد. دوره اختناق رژیم شاه را شماها لمس نکرده‌اید. بروید
خاطرات مبارزان را بخوانید، بروید خاطرات کشف حجاب را بخوانید!
حکومت شرط تحقق همه این اهداف است. تحقق آرمان‌ها به حکومت
وابسته است. تحقق دین به حکومت وابسته است. اکثر احکام اسلام،
سیاسی و حکومتی است. اگر حکومت نباشد اکثر احکام اسلامی تعطیل
می‌شود. امام در کتاب «ولایت فقیه (حکومت اسلامی)» گذشته از بحث
عقلی در ضرورت حکومت، به همین اشاره می‌کنند که صدور احکام از
جانب خدا، بدون وجود حکومت اصلاً لغو است!

همین است که امام حسین (ع) در دعای عرفه شکر می‌کنند که در زمان
حاکمیت دین به دنیا آمده‌اند: «لَمْ تُخْرِجْنِي بِلُطْفِكَ لِي وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ
فِي دَوْلَةِ أُمَّةِ الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ لِكَيْتَكَ أَخْرَجْتَنِي
رَأْفَةً مِنْكَ وَ تَحَنُّنًا عَلَيَّ لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي يَسْرُتَنِي وَ عَلَيْهِ
أَنْشَأْتَنِي.»^{۱۹} یعنی «مرا به لطف خودت به من و ابتدا کردنت به نیکی

۱۹. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۳۱۵.

به من در دولت امامان کفر- کسانی که عهد تو را شکستند و فرستاده های تو را تکذیب کردند،- به دنیا نیاوردی. لکن تو مرا از روی مهربانی نسبت به من و دوست داشتن من در دورانی به دنیا آوردی که پیش از آن در علمت گذشته بود و از هدایتی که اسبابش را قبلاً برایم فراهم کردی و مرا در آن نشو و نما دادی.» اگر در زمان طاغوت بودیم در کجا بودیم؟ در کاخ جوانان بودیم؟ در خانه های تیمی مارکسیستها بودیم؟ یا چه؟

اصلاً حکومت که باشد معنویت معنا پیدا می کند. حکومت که باشد حتی ضعف های آدم ها قابل جبران است، حکومت که نباشد، بیشترین تقوای فردی هم به کار نمی آید. امام باقر (ع) فرمودند: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَأَعَذَّبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً وَلَأَعْفُونَ عَنْ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي أَنْفُسِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً.»^{۲۰}

یعنی خداوند که فضل و احسانش داوم و مرتبه اش بالاتر از همه چیز است، فرمود همانا من هر فرد مسلمان را عذاب می کنم که به سرپرستی و پیوند با حاکم ظالمی تن داده که مشروعیت الهی ندارد، حتی اگر آن فرد در اعمالش نیکوکار و خودنگه دار باشد و قطعاً می بخشم هر فردی در اسلام را که به سرپرستی و پیوند با رهبر عادل که مشروعیت الهی دارد تن داده است، حتی اگر او در اعمال فردی اش ظلم به خویش و گناه

۲۰. محدثین یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۶.

مرتکب شده است. حکومت دینی این قدر مهم است.

در کتب روایی مان مجموعه روایاتی داریم تحت عنوان پایه‌های ایمان (دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ) که دارد از همین محوریت حکومت و ولایت می‌گوید، مثلاً از امام باقر (ع) روایت شده است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ.»^{۲۱} یعنی اسلام بر پنج پایه بنا شده است، بر نماز، زکات، روزه، حج و حکومت و ولایت و آن‌گونه که [مردم] به ولایت (حکومت) فراخوانده شده‌اند، به هیچ چیز دیگری فراخوانده نشده‌اند.

◆ تشکیل حکومت دینی، هنر بزرگ امام

قبل از انقلاب، می‌آمدند به امام می‌گفتند که با واردات گوشت یخی یا بهائیت یا ترویج مسیحیت و... مقابله کنیم. امام می‌گفتند، خانه از پای‌بست ویران است، خواجه در بند نقش ایوان است. بروید حکومت را اصلاح کنید که اجازه داده است، اینها باشد. هنر بزرگ امام این بود که توانست آن نهضت را که انبیا و اولیا و اهل بیت نمایندگی‌اش می‌کردند، در یک سرزمین تشکیل دهد.

◆ ضعف‌ها نباید موجب بی‌توجهی به دستاوردها شود

البته همچنان ضعف‌هایی داریم. چهار دهه در عمر یک ملت زمان کوتاهی است. اما با وجود این سر آن جهت‌گیری‌ها هستیم. هیچ انقلابی در جهان بعد از چهل و چهار سال بر جهت‌گیری‌هایش برقرار نمانده است. تازه ما درجا نزدیم در همه اهدافمان جلو آمدیم. انقلاب فرانسه چند بار براندازی شد و دوباره جمهوری شد، میلیون‌ها نفر کشته شدند، الآن می‌گویند جمهوری پنجم. انقلاب شوروی به دیکتاتوری استالین رسید و سرمایه‌داری دولتی درون آن ایجاد شد، انقلاب انگلیس تنها به یک پارلمان رسید که عملاً همه چیز در دست شاه باقی ماند، انقلاب چین به کشتار و کارهای احمقانه رسید تا جایی که مائو در زمان حیاتش عقب‌نشینی را آغاز کرد، انقلاب الجزایر که یک میلیون و نیم مسلمان در آن فدا شدند در زمان کوتاهی نابود شد، انقلاب آمریکا از آمریکای نجات‌بخش به استعمارگر رسید و... ولی ما کماکان روی اصول اولیه انقلاب هستیم. مدام هم نسل‌های بعدی انقلابی‌تر از نسل‌های قبلی به صحنه می‌آیند.

نعمت جمهوری اسلامی هست اینکه ما حاکمیت به نام جمهوری اسلامی داریم یک حاکمیت انتخابی، بله گوشه و کنارش مشکلات هست، ولی این ضعف‌ها نباید باعث شود که شما شل بشوید. از شرایط صفر کلویین شروع کردیم و الان در خیلی از حوزه‌ها جلو آمدیم. چه با شاخص‌های

دینی چه با شاخص‌های روز دنیا. مثلاً همین علم و فناوری را بینید. حکومتی که در آن احکام اسلامی اجرا می‌شود. حکومتی که در آن بالاخره مقابل ابرقدرت‌ها ایستاده‌ایم و ما تنها عنصری هستیم که در ماجرای فلسطین محکم ایستادیم.

اگر حکومت نداشته باشیم نمی‌توانیم احکام دین را در جامعه اجرا کنیم. نسل قبل از ما دوران قاجار را دیده بودند، دوران مشروطه را دیده بودند، دوران پهلوی را دیده بودند، انقلاب الجزایر را دیده بودند، برای این بود که در ابتدای انقلاب این‌همه برای حفظ حکومت جان‌فشانی می‌کردند. قبل انقلاب در کشور نه عدالتی بود و نه استقلالی وجود داشت، نه احکام به‌تمامه اجرا می‌شد. هیچ بودیم! هیچ! تحت همه جور ظلم و جور و شکنجه و... بودیم. همانی که در قرآن چند بار به بنی‌اسرائیل گفته شده که سختی‌های دوران طاغوت را به یاد بیاورید: «وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ.»^{۲۲} یعنی هنگامی که شما را از اصحاب فرعون نجات دادیم که به شما بدی عذاب را می‌چشانند، فرزندان شما را می‌کشتند و زنان شما را (برای کنیزی) زنده نگه می‌داشتند و در آن برای شما آزمایش و بلای بزرگی از جانب پروردگارتان بود.

◆ حفظ نظام حتی از حفظ معصوم و علما بالاتر است

حکومت است که اسلام را حفظ می‌کند به همین جهت امام می‌فرماید حفظ حکومت از جان معصوم بالاتر است: «این یک تکلیف الهی است برای همه که اهم تکلیف‌هایی است که خدا دارد؛ یعنی، حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر - و لو امام عصر باشد - اهمیتش بیشتر است؛ برای اینکه امام عصر هم خودش را فدا میکند برای اسلام. همه انبیا از صدر عالم تا حالا که آمدند، برای کلمه حق و برای دین خدا مجاهده کردند و خودشان را فدا کردند.»^{۲۳}

حتی فقها بحث کرده‌اند که اگر آمدند افرادی را هرچند مهم مثلاً فقها را تَتَرَّس (سپر انسانی) کردند که به جامعه اسلامی حمله کنند، نباید این وسیله شود که دارالاسلام در خطر قرار گیرد: «با اینکه قتل نفس مؤمن از همه گناهان کبیره، شاید بعد از شرک بالله، بالاتر باشد؛ قتل نفس مؤمن بی‌گناه، لکن اسلام؛ همین اسلامی که این قدر راجع به مؤمنین سفارش فرموده است و تحذیر (هشدار) از قتل نفس مؤمن کرده، از احکام جهادش این است که اگر یک دسته از همین مؤمنین، از همین مسلمین، از همین فقها، از همین - عرض بکنم - دانشمندان را کفار جلو قرار دادند و سپر قرار دادند برای خودشان که بیایند، امر فرموده است که همه را بکشید؛ اینها با آنها، اینها همه شهیدند و به

۲۳. سید روح‌الله، خمینی، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۶۵.

بهشت می‌روند، آنها هم جهنم؛ برای اینکه حفظ ثغور اسلام است؛ حفظ نظام اسلام است؛ حفظ ثغور اسلام است. حفظ ثغور اسلام جزء فرایضی است که هیچ فریضه‌ای بالاتر از آن نیست؛ حفظ اسلام است.»^{۲۴}

لذا حفظ نظام بالاترین واجبات است که بر همه چیز مقدم است. هیچ امری نباید باعث بی‌توجهی به آن شود: «توجه به اهمیت حفظ نظام جمهوری دارند که با آن هیچ حکم و امری مزاحمت نمی‌کند و برای حفظ آن از هیچ کوششی نباید مضایقه کرد.»^{۲۵} «حفظ نظام جمهوری اسلامی ... از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ‌چیز به آن مزاحمت نمی‌کند؛ و از اموری است که احتمال خلل در آن عقلاً منجز است.»^{۲۶} یعنی اگر احتمال خلل در آن وارد شد، باید صرف احتمال را مورد توجه قرار داد. «حفظ اسلام یک فریضه الهی است، بالاتر از تمام فرایض؛ یعنی، هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست. اگر حفظ اسلام جزء فریضه‌های بزرگ است و بزرگ‌ترین فریضه است، بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است.»^{۲۷}

حفظ نظام بر همه واجب است و به یک معنا واجب عینی است. چرا که فرداً فرد افراد برای حفظ آن وظیفه دارند، چه مسئول، چه مردم

۲۴. همان، ج ۱۶، ص ۴۶۵.

۲۵. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۵.

۲۶. همان، ص ۱۵۲.

۲۷. همان، ج ۱۵، ص ۳۲۹.

عادی: «در هر صورت تکلیف زیاد است، بزرگ است برای همه‌مان. ما برای ادامه این انقلابی که هست و ادامه این، تکلیف زیاد داریم؛ دولت تکلیف دارد، رئیس‌جمهور تکلیف دارد، رئیس مجلس تکلیف دارد، کشاورز تکلیف دارد؛ کارگر تکلیف دارد، هر کس در هر گوشه‌های از این کشور واقع شده است تکلیف دارد. تکلیف مال یک نفر دو نفر نیست، آحاد مردم یکی‌یکی‌شان تکلیف دارند برای حفظ جمهوری اسلامی، یک واجب عینی، اهم مسائل واجبات دنیا، اهم است، از نماز اهمیتش بیشتر است؛ برای اینکه این حفظ اسلام است، نماز فرع اسلام است. این تکلیف برای همه ماست، هیچ فرقی ما بین ترک و فارس و - عرض می‌کنم که - کجا و کجایی ندارد، سیستانی و بلوچستانی و اینها و این تکلیف برای همه دنیاست. حفظ دین حق، یک حکمی است برای همه دنیا، در رأس واجبات برای همه دنیا واقع شده، منتها غیر مسلمین چون اعتقاد به اسلام ندارند، می‌گویند خوب، اسلام واجب کرده، به ما چه، اما مسلمین که اعتقاد دارند. آن مسلمی که در آفریقا است، حفظ جمهوری اسلامی برایش واجب است؛ برای اینکه از اینجا ممکن است که - یعنی، إن شاء الله، خواهد شد - انعکاسش در همه‌جا خواهد شد و شده است

الآن. ۲۸

◆ حفظ نظام و مصلحت نظام

وقتی حفظ نظام بر همه چیز مقدم است، توجه به مصالح نظام مهم می‌شود. این به معنای آن است که اگر شرایطی پیش بیاید که امور دیگری با حفظ نظام در تزاخم قرار بگیرد و حفظ نظام بر آن مقدم می‌شود. حفظ نظام اهم (مهم‌تر) است و ممکن است حتی از بعضی احکام مثل حج برای مصالح نظام جلوگیری شود، کمالینکه در سال هزار و سیصد و شصت و هفت بعد از کشتار جمعه خونین مکه^{۲۹} و سال هزار و سیصد و نود و پنج، بعد از واقعه منام^{۳۰} دولت جمهوری اسلامی موقتاً ارسال حجاج را متوقف کرد: «حکومت، که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - است، یکی از احکام اولیه اسلام است؛ و مقدم بر تمام احکام فرعی، حتی نماز و روزه و حج است. حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند. حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند؛ و مسجدی که ضرر^{۳۱} باشد، در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند. حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یک‌جانبه لغو

۲۹. بعد از انقلاب هرسال با مجوریت حجاج و دانشجویان ایرانی راهپیمایی وحدت در مدینه منوره و راهپیمایی برائت از مشرکین در مکه مکرمه اجرا می‌شد در سال ۱۳۶۶ نیروهای آل سعود با همراهی سازمان مجاهدین خلق با حمله به این راهپیمایی صدها زائر ایرانی و غیرایرانی را به شهادت رساندند.

۳۰. در سال ۱۳۹۴ در منا به علت ازدحام، برنامه‌ریزی غلط و حتی در بعضی تحلیلها برنامه‌ریزی عمدی آل سعود، تعدادی از زوار مخصوصاً زوار ایرانی بر اثر ازدحام، گرما و بسته شدن مسیرهای مواصلاتی به شهادت رسیدند.

۳۱. مسجد ضرار مسجدی بود که در صدر اسلام منافقین برای مقابله با پیامبر (ص) ساختند.

کند. و می‌تواند هر امری را، چه عبادی و یا غیرعبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج، که از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست، موقتاً جلوگیری کند.^{۳۲} «در اسلام مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر هر چیز است، و همه باید تابع آن باشیم.»^{۳۳}

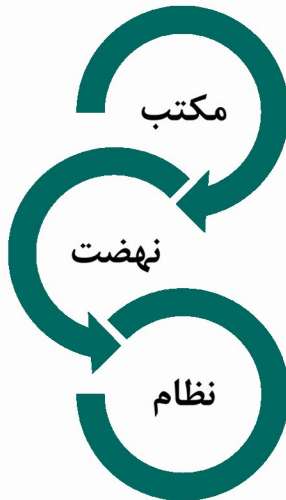
البته این به معنی بی‌توجهی به حقوق مردم، مستضعفین، یا ظلم نیست، بلکه برای این است که اسلام در خطر قرار نگیرد و اسلام پابرهنگان متهم به ناکارآمدی نشود: «مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد. امروز جهان اسلام نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام‌نمای حل معضلات خویش می‌دانند. مصلحت نظام و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال برد، و اسلام امریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی (دست‌های) داخل و خارج آنان پیروز گرداند.»^{۳۴} حفظ نظام هدف نیست و وسیله حفظ نهضت (انقلاب) و در لایه بالاتر حفظ مکتب (اسلام) است. نباید حفظ نظام

۳۲. سید روح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۵۲.

۳۳. همان، ج ۲۱، ص ۳۳۵.

۳۴. همان، ج ۲۰، صص ۴۶۴-۴۶۵.

بهانه عقب‌نشینی از نهضت و یا اصل اسلام شود. حفظ نهضت و مکتب است که موجب پویایی و حفظ جهت‌گیری‌های درست در نظام خواهد بود. این‌گونه زنده نگه‌داشتن مکتب و نهضت مهم می‌شود و نهضت اگر زنده باشد نظام از بین نمی‌رود از بین هم برود بلافاصله پس گرفته می‌شود. چنان‌که سال دو هزار و نوزده در بولیوی علیه اوو مورالس رئیس جمهور وقت کودتا شد، اما به علت زنده‌بودن نهضت ملی‌گرایانه و ضد سرمایه‌داری و ضدسلطه آن، به فاصله چند ماه نظام پس گرفته شد.



◆ اگر اسلام در ایران سیلی بخورد، به‌زودی و به‌راحتی سربلند

نخواهد کرد

البته این به این سادگی‌ها نیست و در صورت ازبین‌رفتن نظام هم ظرفیت اجتماعی آن از بین می‌رود و مردم ناامید می‌شوند هم دشمن نمی‌گذارد دوباره چنین چیزی شکل بگیرد. مثل انقلاب مصر که یک دهه بعد از براندازی آن اکثریت ظرفیت خود را در کشور از دست داده است و حتی خیلی از جوانان انقلابی، امروز ناامید شده یا حتی سکولار^{۳۵} (معتقد به جدایی دین از سیاست) و اثنیست^{۳۶} (مخالف وجود خدا) شده اند و دیگران هم حاضر نیستند دوباره به‌سادگی تن به انقلاب بدهند. مستند «فی سبع سنین» شبکه الجزیره را در همین باره ببینید! خصوصاً که با توجه به سیلی خوردن دشمنان از اسلام و جمهوری اسلامی، در صورت شکست خوردن جمهوری اسلامی تا قرن‌ها این فرصت سلب خواهد شد، چراکه جامعه آمادگی خود را از دست می‌دهد و از سویی دشمنان دوباره به آسانی نخواهند گذاشت چنین هویتی شکل بگیرد: «اگر این جمهوری اسلامی شکست بخورد، به جای آن یک رژیم اسلامی دلخواه بقیه الله - روحی فداه - یا مطیع امر شما آقایان تحقق نخواهد پیدا کرد، بلکه یک رژیم دلخواه یکی از دو قطب قدرت به حکومت می‌رسد و محرومان جهان، که به اسلام و حکومت اسلامی روای] آورده و دل

35. Secular.

36. Atheist.

باخته‌اند، مایوس می‌شوند و اسلام برای همیشه منزوی خواهد شد.^{۳۷} «اگر امروز اسلام سیلی بخورد، دیگر سر بلند نمی‌کند. به خاطر اسلام باید مقداری از ناراحتی‌هایمان را کنار بگذاریم.»^{۳۸} «اسلام اگر اینجا سیلی بخورد، بدانید که دیگر تا آخر سرش بلند نمی‌شود، مگر اینکه باز یک وضع دیگری در دنیا پیش بیاید. الآن ماییم که باید این را حفظ بکنیم.»^{۳۹} «اگر اسلام عزیز و جمهوری اسلامی نوپا به انحراف کشیده شود و سیلی بخورد و به شکست منتهی شود، خدای نخواستہ اسلام برای قرن‌ها به طاق نسیان (دست فراموشی) سپرده می‌شود، و به جای آن، اسلام شاهنشاهی و ملوکی (پادشاهی) جایگزین آن خواهد شد.»^{۴۰} «بدانند که اگر یک سیلی بخورد امروز اسلام در این کشور، تا آخر دیگر باید ملت‌ها تحت این فشارها باشند. امروز اسلام در اینجا سر بلند کرده است و بیرقش بلند شده است و من امیدوارم که این جلوه‌اش به همه جا برسد، و مستضعفین از زیر بار این ظلم‌ها بیرون بروند. آنهایی که نق می‌زنند برای این کشور و به خیال خودشان دلشان برای اسلام می‌سوزد، آنها بدانند که اگر این اسلامی که الآن در اینجا هستش سیلی بخورد اسلام تا آخر سیلی خورده است؛ باید هی بنشینید و حسرت ببرید. باز هم برگردد به آنجایی که یک نفر پاسبان بیاید همه‌تان را

۳۷. همان، ج ۲۱، ص ۴۴۷.

۳۸. همان، ج ۱۸، ص ۲۷۴.

۳۹. همان، ص ۲۵۲.

۴۰. همان، ص ۵.

وقتی که از بین ببرد به همه‌تان اهانت کند جرأت حرف زدن نداشته باشید. زمان رضا شاه را یادتان هست، زمان اوایل محمد رضا هم یادتان هست.^{۴۱} «اگر خدای نخواست، خدای نخواست، خدای نخواست» در ایران سیلی بخورد، بدانید که در همه دنیا سیلی خواهد خورد؛ و بدانید که به این زودی دیگر نمی‌تواند سرش را بلند کند. این الآن یک تکلیف بسیار بزرگی است که از همه تکالیف بالاتر است، حفظ اسلام در ایران.^{۴۲} این است که «قیام بر ضد حکومت اسلامی در حکم کفر است. بالاتر از همه معاصی است.»^{۴۳}

◆ بعد از جمهوری اسلامی آدم‌خوارها هستند!

بالاتر از آن جمهوری اسلامی در وضعی است که بعد از آن آدم‌خوارها هستند! کسانی که دنبال تجزیه ایران و انتقال گرفتن از ملتی هستند که حدود نیم‌قرن منافع آنها را سد کرده و پرچم اسلام را برانگیخته است. حتی اگر کسی مخالف جمهوری اسلامی است، باید ببیند که بعد از جمهوری اسلامی، هیچ‌گاه به ایران قوی تن نخواهند داد. گذاشت این ملت که تجربه آری گفتن به اسلام را از خود نشان داده است باقی بماند. وقتی هر چه منافق و کوموله و دموکرات و... از بند و

۴۱. همان، ج ۱۷، ص ۴۰۶.

۴۲. همان، ص ۲۸۳.

۴۳. همان، ج ۱۱، ص ۲۰۲.

حبس درآید، دیگر به هیچ انقلابی، مذهبی، منتقد، معترض و... رحم نمی کند. این دیگر اصول گرا و اصلاح طلب و بسیجی و مذهبی عادی و عدالت خواه و ماله کش و... ندارد. البته بعضی بروکرات‌ها که همین امروز هم دل نمی‌سوزانند، ممکن است بمانند! ولی متدینین قطعاً نه! طرف می‌گفت در بیست و دوم بهمن پنجاه و هفت در سازمان برنامه مشغول کار بودند، بعد کسی دوان دوان گفته بود انقلاب پیروز شد. مدیر مربوطه، عکس امام را درآورده بود و جای عکس شاه گذاشته بود و به کارمندا گفته بود ادامه می‌دهیم!

◆ حفظ نظام چگونه محقق می‌شود؟

خب، برای حفظ نظام چه باید کرد؟ در لایه اول باید دید که چه عناصری نظام را تقویت و چه عناصری تضعیف می‌کنند. یک سری نقاط مثل بحران‌ها، اغتشاش‌ها و فتنه‌ها هست که تکلیف ایستادن، مقابله با فتنه‌گران، دشمنان خارجی و... است. قرآن به‌عنوان یک سنت الهی می‌گوید اگر مؤمنان ایستادگی کنند، دشمنان به آنها پشت کرده و فرار می‌کنند: «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلُوا الْأُدْبَارَ.»^{۴۴} یک سطح مسئله وحدت است، یعنی ضمن حفظ تکثر و اختلاف سلیقه‌ها نباید صحنه به درگیری علنی و تنازع جبهه انقلاب تبدیل شود. همانی که امام

۴۴. قرآن کریم، سوره فتح، آیه ۲۲.

می‌گوید «حفظ اسلام در ایران به وحدت شماهاست.»^{۴۵} و قرآن تنازع مؤمنین با هم را عامل رفتن رنگ و بوی جامعه اسلامی و فشل شدن آن می‌داند: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ.»^{۴۶} یک سطح مسئله صبر، بصیرت، فهم مواضع حق،^{۴۷} درگیر ساخت و پاخت و تطمیع و تهدید نشدن، شبیه نشدن به جریان‌های باطل، تبعیت کردن از هواهای نفسانی^{۴۸} و خلاصه همه عناصر درونی است که نظام و حامیانش را دچار مشکل می‌کند اما مهم‌تر از آن این است که نظام بر جهت‌گیری‌های درست باقی بماند و خود نظام و طرفداران آن نفع‌رساننده و خیررساننده به مردم باشند. سنت خداست هر چیزی که چنین باشد باقی بماند: «أَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ»^{۴۹} یعنی «و اما کف روی آب از بین می‌رود و اما آنچه به مردم نفع می‌رساند پس در زمین باقی می‌ماند.»

۴۵. سید روح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۸۳.

۴۶. قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۴۶.

۴۷. امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «وَلَا يَخْمَلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ النَّصْرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمِ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ.» یعنی این علم و نامد حق را حمل نمی‌کند مگر اهل بصیرت و صبر و علم به مواضع حق. (سیدرضی، نهج‌البلاغه، ص ۲۴۸، خطبه ۱۷۳)

۴۸. امیر مؤمنان (ع) فرمود: «لَا يُقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُضَارِعُ وَلَا يُضَارِعُ وَلَا يَتَّبِعُ الْمُطَاعِ.» یعنی امر خداوند پاک و منزه را برپا نمی‌دارد مگر کسی که ساخت و پاخت نمی‌کند، به عمل افراد باطل شبیه نمی‌شود و از هواهای نفسانی پیگیری نمی‌کند. (سیدرضی، نهج‌البلاغه، ص ۲۴۸، حکمت [۱۰۷] - [۱۱۰])

۴۹. قرآن کریم، سوره رعد، آیه ۱۷.

◆ نگاه تهدیدمحور به حفظ نظام و ندیدن آرمانهای تغییر، آن را

پوک می‌کند!

گاهی برخی افراد حفظ نظام را صرفاً به ایستادن مقابل دشمن، یا امنیت و... محدود می‌کنند، خلاصه رویکرد تهدیدمحور به حفظ نظام دارند. این موارد حتماً لازم و زیربنا است؛ اما صرف اکتفا به این رویکرد ممکن است در بحرانی‌ترین حالت مشکل را حل کند، اما در درازمدت کافی نیست و تمرکز صرف بر آرمان‌های ثبات (یعنی حفظ امنیت، مقابله با دشمن و...) و ندیدن آرمان‌های تغییر (مثل عدالت، آزادی، پیشرفت و...) باعث درج‌ازدن و ایجاد بحران می‌شود، چراکه حکومت بدون تغییر و اصلاح پوک می‌شود. همین تعبیر امام صادق (ع) که «مَنْ اسْتَوَى يَوْمَاهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ»^{۵۰} یعنی «هرکس دور روزش برابرش باشد ضرر کرده است.» وجود ضعف در حکومت به‌ویژه نابرابری و ظلم، امنیت را از بین می‌برد. امیرمؤمنان (ع) به یکی از کارگزارانشان که صالح هم نبود می‌گوید: «اسْتَعْمِلِ الْعَدْلَ وَ احْذَرِ الْعُسْفَ وَ الْحَيْفَ فَإِنَّ الْعُسْفَ يَعُودُ بِالْجَلَاءِ وَ الْحَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ»^{۵۱} یعنی «عدالت بورز و در غیر حق شدت عمل نداشته باش و از عدل به ظلم میل نکن! که شدت عمل در غیر حق باعث ترک وطن می‌شود و میل کردن از عدل به ظلم به شمشیر (ایجاد ناامنی) می‌انجامد.» یا ترک موارد اصلی و پرداختن به موارد

۵۰. محمدتقی مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۷۳.

۵۱. سید رضی، نهج البلاغه، ص ۵۵۹.

فرعی و رهاکردن آدم‌های اصلح و جلو انداختن آدم‌های بی‌صلاحیت در کلام امیرمؤمنان (ع) به فروپاشی حکومت‌ها و تضعیف آنها می‌انجامد: «يُسْتَدَلُّ عَلَىٰ إِذْبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعٍ تَضْيِيعُ الْأُصُولِ وَ التَّمَسُّكُ بِالْغُرُورِ (الْفُرُوعِ) وَ تَقْدِيمُ الْأَزْدَالِ وَ تَأْخِيرُ الْأَفْضَالِ».^{۵۲}

ما برای حفظ حکومت به هر دو آرمان‌های ثبات و آرمان‌های تغییر احتیاج داریم. یعنی باید هم از اصل و چهارچوبهای اصلی نظام دفاع کنیم، هم هر لحظه برای اصلاح و تغییر آن به سمت آرمانهایش تلاش کنیم، جوری که این نظام هم حفظ بشود، هم زنده، پویا و پاسخگو به نیازهای مردم و زمانه باشد. این چیزی است که رهبر انقلاب از آن به «استحکام ساخت درونی نظام»^{۵۳} تعبیر می‌کنند که ضعفی از درون نداشته باشیم. در جهت آن آرمانها حرکت کنیم. اگر حکومت به سمت آن آرمانها حرکت نکند، از درون پوک می‌شود.



۵۲. عبدالواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۴۲.

۵۳. (۱۳۹۲/۰۷/۱۳) بیانات رهبر انقلاب در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش.

◆ حکومت برای تحقق آرمانها و بسط عدالت است!

امام در «کتاب البیع» استدلال می‌کنند، اساساً اسلام حکومت با تمامی شئونش است و احکام، قوانین اسلام (مثل همه قوانین حکومتهاست) و شأنی از شئون حکومت هستند، بلکه احکام (به‌خاطر حکومت) مطلوب هستند و مطلوب‌بودنشان (ذاتی یعنی صرفاً به‌خاطر خودشان نیست) و عرضی (وابسته به حکومت) است و امور ابزاری برای اجرای حکومت و بسط عدالت هستند: «الإسلام هو الحکومة بشئونها، و الأحكام قوانین الإسلام، و هی شأن من شئونها، بل الأحكام مطلوبات بالعرض، و امور آلیة لإجرائها و بسط العدالة.»^{۵۴} یعنی «مطلوبیت احکام اسلامی به‌خاطر این است که طریق تحقق حکومت عدالت‌اند و مقصد اصلی حکومت، بلکه مقصد بالعرض می‌دانند. ما باید با حرکت در راه آن اهداف حکومت را تضمین کنیم.»

◆ توجه به روح و سیرت انقلاب و نظام

اما باید این را بدانیم که حکومت یک ساختار و چهارچوب ظاهری و رسمی دارد و یک هویت و سیرت حقیقی که باید مراقب بود آن تغییر نکند. رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت در سال ۱۳۸۷ این نکته را تفصیلاً توضیح می‌دهند: «آنچه مهم

۵۴. سید روح‌الله خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۳۳

است این است که نظام جمهوری اسلامی یک ساخت حقوقی و رسمی دارد که آن قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، انتخابات - همین چیزهایی که مشاهده می‌کنید - است که البته حفظ اینها لازم و واجب است؛ اما کافی نیست. همیشه در دل ساخت حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی در حکم جسم است؛ در حکم قالب است، آن هویت حقیقی در حکم روح است؛ در حکم معنا و مضمون است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده‌ای خواهد داشت، نه دوامی خواهد داشت؛ مثل دندانی که از داخل پوک شده، ظاهرش سالم است؛ با اولین برخورد با یک جسم سخت در هم می‌شکند. آن ساخت حقیقی و واقعی و درونی، مهم است؛ او در حکم روح این جسم است. آن ساخت درونی چیست؟ همان آرمان‌های جمهوری اسلامی است: عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزش‌ها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ اینها آن اجزاء ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است. اگر ما از اخلاق اسلامی دور شدیم، اگر عدالت را فراموش کردیم، شعار عدالت را به انزوا انداختیم، اگر مردمی بودنِ مسئولان کشور را دست‌کم گرفتیم، اگر مسئولین کشور هم مثل خیلی از مسئولین کشورهای دیگر به مسئولیت

به‌عنوان یک وسیله و یک مرکز ثروت و قدرت نگاه کنند، اگر مسئله خدمت و فداکاری برای مردم از ذهنیت و عمل مسئولین کشور حذف شود، اگر مردمی بودن، ساده‌زیستی، خود را در سطح توده مردم قرارداد، از ذهنیت مسئولین کنار برود و حذف شود؛ پاک شود، اگر ایستادگی در مقابل تجاوزطلبی‌های دشمن فراموش شود، اگر رودربایستی‌ها، ضعف‌های شخصی، ضعف‌های شخصیتی بر روابط سیاسی و بین‌المللی مسئولین کشور حاکم شود، اگر این مغزهای حقیقی و این بخش‌های اصلی هویت واقعی جمهوری اسلامی از دست برود و ضعیف شود، ساخت ظاهری جمهوری اسلامی خیلی کمکی نمی‌کند؛ خیلی اثری نمی‌بخشد و پسوند «اسلامی» بعد از مجلس شورا: مجلس شورای اسلامی؛ دولت جمهوری اسلامی، به تنهایی کاری صورت نمی‌دهد. اصل قضیه این است که مراقب باشیم آن روح، آن سیرت از دست نرود، فراموش نشود؛ دلمان خوش نباشد به حفظ صورت و قالب. به روح، معنا و سیرت توجه داشته باشید. این، اساس قضیه است.»^{۵۵}

یقیناً باید از چارچوب‌های رسمی و نهادها حفاظت کرد؛ ولی اینها چهارچوب و صورت هستند، انقلاب و حکومت یک روح و سیرت دارد، آن روح و سیرت چیست؟ آرمان‌های انقلاب است. آن آرمان‌هایی که حضرت امام می‌گویند که اسلام بدون آن می‌شود «اسلام آمریکایی». توجه داشته

باشید که حضرت امام اسلام آمریکایی را فقط برای غرب‌گراها، سعودی‌ها، وهابی‌ها و انجمن حجتیه‌ای‌ها نگفتند، می‌گویند «اسلام اشرافیت و ابوسفیان، اسلام ملاهای کثیف درباری، اسلام مقدس‌نماهای متحجر و بی‌شعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه‌داران، اسلام شاهنشاهی و ملکی یعنی اسلام منهای جمهوریت، اسلام منافقین، اسلام راحت‌طلبان، اسلام فرصت‌طلبان و...» این حرف یعنی چه؟ یعنی اینکه آن دینی که در آن، این اهداف نباشد، عدالت نباشد، استقلال نباشد، آزادی و جمهوریت نباشد، آن دینی که در آن ساختن یک جامعه پیشرفته نباشد و... آن دین و حکومت اسلامی نیست.

زمان‌هایی فتنه و اغتشاش است و ما باید محکم بایستیم و از انقلاب و نظام دفاع کنیم، اما زمان‌هایی هست که ماجرا این نیست، اگر فقط دلمان به این خوش باشد که یک تعداد چارچوب و نهادهایی به نام انقلابی داریم و این حکومت تبدیل بشود به یک چیزی که فقط این صورت‌ها و چارچوب‌ها باشد، مسیر را اشتباه رفته‌ایم و از درون پوک می‌شویم. آن وقت نه موافقان انقلاب انگیزه‌ای برای دفاع خواهند داشت و نه مردم سودآوری آن را درک می‌کنند. حفظ نظام به حفظ آن جهات اسلامی و آرمان‌ها است. باید تلاش کرد که جهت‌گیری‌ها درست شود.

◆ تلاش برای ایجاد کارآمدی نظام

نظام باید به مردم نفع برساند، حکومت و نظام برای ما مهم است، اما باید مردم کارآمدی‌اش را ببینید، اگر حکومت به مردم نفع نرساند به صورت اتوماتیک ماندگار نخواهد بود. یکی از دوستان مستندساز در اوج کودتای ۲۰۱۵ ترکیه در شبی که اردوغان پیام داد به مردم برای حضور در خیابان‌ها و مردم هم آمدند و کودتا شکست خورد، از مردمی که در خیابان‌ها آمده بودند زیر تیرباران می‌پرسید که چرا آمده‌اید؟ می‌گفت از وقتی که این‌ها روی کار آمدند زندگی ما بهتر شد، فلان خدمت‌رسانی‌ها شد و... حتی کسی مثل رجب طیب اردوغان که اسلامش نمایشی و برای قدرت‌طلبی است و هزارچندی ضربه‌ای به امت اسلامی می‌زند. اما با خدمت‌رسانی‌های نسبی، حضور خود را تثبیت کرده است. البته این کارها چه فایده‌ای دارد وقتی که هویت آن کشور اسلامی نیست؟ مالزی هم همین است. ما باید تلاش و گفتمان‌سازی و پیگیری کنیم که نظام کارآمدی از خودش نشان دهد.

◆ حفظ جهت‌گیری‌های در کنار حفاظت از اصل نظام

رهبر انقلاب می‌فرمایند که دشمن می‌خواهد زنجیره توأسی به حق و صبر که در سوره عصر^{۵۶} آمده قطع بشود در این جنگ^{۵۷} یعنی چه؟

۵۶. إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (۳)
۵۷. ۱۳۹۹/۱۲/۲۱ بیانات رهبر انقلاب در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید میعت.

یعنی می‌خواهند که شما نسبت به همدیگر و نظام احساس مسئولیت نداشته باشید. وقتی جهت‌گیری غلطی دنبال می‌شود، آدم‌ها سست می‌شوند و اگر صحنه را نبینند می‌گویند به من چه ورود پیدا کنم. لازمه این امر چیست؟ این است که نعمت داشتن حکومت، نعمت جمهوری اسلامی را بفهمیم.

برای تحقق آرمان‌هایی مثل عدالت، استقلال، آزادی، پیشرفت باید تلاش کرد، جنگید و نظام را اصلاح کرد. وقتی که این آرمان‌های ثبات و تغییر در تعادل با هم باشند، خوب است. اگر شما فقط آرمان‌های تغییر را داشته باشید و آرمان‌های ثبات را نداشته باشید؛ مثلاً عدالت، پیشرفت و آزادی داشته باشید؛ اما به حفظ نظام و امنیت توجه نداشته باشید، هیچ چیزی نمی‌توانید داشته باشید. عدالت تبدیل می‌شود به غرهای کافه ای مارکسیست‌ها، آزادی تبدیل می‌شود به خفقان در حکومت طاغوت، پیشرفتی هم صورت نمی‌گیرد، استقلال هم نابود می‌شود. عکسش هم هست اگر به آرمان‌های ثبات توجه کنی؛ ولی تغییر را نبینی پوک می‌شوی، حکومت به ضد اهدافش تبدیل می‌شود؛ هی هم بروی ظواهرش را زیاد کنی فایده‌ای ندارد.

الان چون نعمت جمهوری اسلامی را داریم متوجه خیلی از مسائل نیستیم. شکر نعمت جمهوری اسلامی به این است که برای تحقق اهدافش، جلو

رفتن در آن آرمان‌ها و حفظ چهارچوب‌هایش باید تلاش کرد. باید تلاش کرد برای اینکه این نظام بی‌اشکال باشد و ظلمی در آن صورت نگیرد هم باید بجنگیم. پیامبر (ص) فرمود: «أَنْصُرُ أَحَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا.» از ایشان پرسیدند که برادرم را در حال مظلوم بودن کمک می‌کنم، پس چگونه وقتی ظالم است به او کمک کنم؟ فرمودند: «كَفَّهَ عَنِ الظُّلْمِ.»^{۵۸} باز داشتن او از ظلم.

حفظ نظام به تحقق و تقویت اهدافش است. اینکه مردم ببینند این نظام در عمل مفید است و دنیا و آخرتشان را تأمین می‌کند. اگر آرمان‌های ثبات را داشته باشیم، اما آرمان‌های تغییر را نداشته باشیم و همیشه بگوییم حفظ نظام و آرمان‌هایی مثل عدالت، پیشرفت، آزادی و نان شب مردم را نداشته باشیم می‌شود مثل حکومت شوروی. در حکومت اتحاد جماهیر شوروی، نسل اول انقلاب صاحب کل مملکت بودند، ده‌ها سال حکومت کردند، نسل دوم که برسرکار آمدند، از آن ارزشها و شور اولیه هم فاصله گرفتند، نتیجتاً کنار رفتند. البته خود سیستم هم پوسیده بود، سیستم هم به عدالت توجه نکرده بود. شعارشان برابری بود اما به عدالت توجهی نکرده بودند، نوعی سرمایه‌داری دولتی شکل گرفته بود، که هر کس در حکومت بود منافع داشت. به آزادی توجه نکرده بودند. طبق ایده‌ای که ولادیمیر لنین بنیان‌گذار شوروی به ایده کارل مارکس

۵۸. حسین راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۵۶۴.

اضافه کرده بود، دیکتاتوری طبقه کارگر شد، اوجش هم بعد از لنین در دوره جوزف استالین رهبر بعدی‌شان اتفاق افتاد. خفقان همه‌جایی! از تأمین زندگی مردم هم ماندند، طبیعتاً در نهایت هم فروپاشید. آرمان‌های ثبات و تغییر باید با هم باشند.

◆ مدل و نظریه نظام انقلابی

همین تعبیری که رهبر انقلاب دارند، نظریه «نظام انقلابی» که در بیانیه گام دوم انقلاب^{۵۹} به آن اشاره می‌کنند که نوآوری نظام ماست: «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بارآده، همواره دارای انعطاف و آمادۀ تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.»

در علوم اجتماعی هم حدود هفت قرن پیش، ابن خلدون در «مقدمه» می‌گوید اول نهضت‌ها هستند، نهضت‌ها نهاد می‌شوند، بعد از آنکه که

نهاد شدند از بین می‌روند. دعوای نهضت و نهاد، دعوای عاملیت و ساختار دعوای تاریخی در علوم اجتماعی است. مرحوم شریعتی در «تشیع علوی و تشیع صفوی» صفویه را با همین مبنا نقد کرده است. ولی جمهوری اسلامی می‌گوید هم نهضت و هم نهاد. ما الگویی داریم که در آن نهضت تمام نمی‌شود. شما اگر فقط نهضت باشید بدون نهاد و فقط آرمان‌های تغییر را داشته باشید و آرمان‌های ثبات را نداشته باشید، هیچ چیزی عملی نمی‌شود. شما وجودتان را از دست می‌دهید و به هرج و مرج و بی نظمی می‌رسید. از آن سو اگر فقط هم آرمان‌های ثبات را داشته باشید و آرمان‌های تغییر را نداشته باشید، مثل شوروی از هم فرو می‌پاشید. ما هم واقعیت‌ها را می‌بینیم، هم آرمان‌ها را، اما نه مثل محافظه‌کارها تسلیم واقعیت‌ها می‌شویم، نه فقط آرمان‌ها را بدون توجه به وضع موجود می‌بینیم، به تعبیر شهید بهشتی: «ما قرار است آرمان‌طلبانه با مسائل برخورد کنیم. انقلاب ما انقلاب آرمان‌ها است نه انقلاب تسلیم به واقعیت‌ها. ما انقلاب کردیم که واقعیت‌ها را عوض کنیم، نه اینکه واقعیت‌ها را هر چه هست بپذیریم.»^{۶۰}

الگوی ما نظام انقلابی است، هم نهضت و هم نهاد. هم خود هویت فعلی اش ضروری است و باید برای حفظش به معنای ثبات و امنیت کوشش کرد و هم باید برای حفظ آن به معنای نفع رساننده بودنش به دیگران

۶۰. محمد سربانندی، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی، ج ۱، ص ۵۵۴

و حرکت به سمت آرمان‌هایش تلاش کرد. سخنرانی حسن رحیم‌پور
 «جمهوری اسلامی، هم نهضت، هم نهاد» را بشنوید!

جریان‌ها	نسبت بین وضع موجود آرمانها	نگاه به ثبات و تغییر	نسبت بین نظام و انقلاب	تمرکز بر آرمان‌ها
محافظه‌کاری	حفظ وضع موجود	ثبات‌گرایی	نظام	امنیت، مصلحت، حفظ نظام
هرج و مرج رؤیای پرازدایی	توجه صرف به آرمانها	تغییرگرایی	انقلاب (نهضت)	عدالت، آزادی، استقلال، پیشرفت
انقلابی‌گری	تغییر وضع موجود به‌نفع آرمانها بر اساس مقدرات	تغییرگرایی ضمن توجه به حفظ داشته‌ها	نظام انقلابی	توجه همزمان بر دو سطح آرمانها با تکیه بر تغییر

◆ هم طرف‌دار نظام باشیم هم مصلح و منتقد مشکلات!

آن نیرویی که حافظ نظام است همان نیرو باید به دنبال اصلاح نظام باشد. در دوره امام علی (ع) هم همین بود، مالک‌اشتر هم مهم‌ترین طرف‌دار امیرمؤمنان (ع) بود و هر جا هرکسی در مقابل حضرت چیزی می‌گفت محکم می‌ایستاد و هر جا که لازم بود شمشیر در دست

می‌گرفت و حداکثری عمل می‌کرد. مدام مدافع حمله به دشمن بود و مقابل براندازان برخوردارهای حداکثری می‌کرد. جوری که معاویه بعد از زدن او گفت مهم‌ترین بازوی علی (ع) را زدم! خود امام در مورد مالک به مردم مصر نوشته‌اند: «عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ لَا يَنَامُ أَيَّامَ الْخَوْفِ وَلَا يَنْكُلُ عَنِ الْأَعْدَاءِ سَاعَاتِ الرَّوْعِ أَشَدَّ عَلَى الْفَجَّارِ مِنْ حَرِيقِ النَّارِ ... فَإِنَّهُ سَيْفٌ مِنْ سُيُوفِ اللَّهِ لَا كَلِيلَ الطَّبَةِ وَلَا نَابِي الصَّرِيَّةِ ... فَإِنَّهُ لَا يُقَدِّمُ وَلَا يُحْجِمُ وَلَا يُؤَخِّرُ وَلَا يَقَدِّمُ إِلَّا عَنْ أَمْرِي.»^{۶۱} یعنی «بنده‌ای از بندگان خدا که ایام ترس نمی‌خوابد و در ساعات ترس از مقابله با دشمنان کندی و ترس بروز نمی‌دهد. از آتش جهنم بر گناهکاران تندتر است. ... پس همانا او شمشیری از شمشیرهای خداست که تیغش کند نیست و شمشیرش از برندگی نمی‌افتد. ... پس او قدم نمی‌گذارد، پس او در پیش‌روی، عقب نشینی و حمله اقدام نمی‌کند جز اینکه بر اساس امر من است.»

ولی همچنین آدمی مهم‌ترین معترض مشکلات موجود هم بود و برای حفظ حکومت حضرت امیر (ع) این کارها را می‌کرد. مثلاً می‌دید که مردم کوفه دارند اجبار می‌کنند که جریر بن عبد الله بجلي^{۶۲} از سوی حضرت امیر برای مذاکره با معاویه برود، مالک اینجا اعتراض می‌کرد، البته نه مثل خوارج نظم را بر هم می‌زدند نه تحمیل می‌کنند، اما

۶۱ سید رضی، نهج‌البلاغه، ص ۴۱۱، نامه ۲۸.

۶۲ او طرفدار عثمان و حاکم همدان بود. بعد از برکناری‌اش به کوفه آمد و با ادعای اینکه می‌توانم با دشمن مذاکره و مشکل را حل کنم مورد اقبال مردمی واقع شد و امیرالمؤمنین او را به مذاکره فرستاد.

می‌فهمید که باید روشننگری کند. امیر مؤمنان هم به او نمی‌گفت که ای مالک تو منحرف هستی. مالک آگاه‌سازی کرد و بعد همه کوفه فهمیدند که نظر مالک درست است و نامه تند حضرت به جریر در نامه هشتم نهج‌البلاغه آمده است.^{۶۳} حضرت هم همین شبی که در سریال مختار دیدید فرستاد تا خانه او را خراب کند.^{۶۴} یا در مثالی دیگر هر سه فرزند عباس عموی پیامبر (ص) منصوب شدند. مالک سؤال مطرح کرد که آیا در این حکومت قرار است فامیل بازی شود؟ حضرت امیر (ع) هم پاسخ دادند، که اگر طرف صلاحیت دارد نباید منصوب شود؟ این روش خودش ابزاری برای اصلاح حکومت و مانع از اشکالات می‌شد. به تعبیری نقد مالک، نقد درون‌گفتمانی بود که به تقویت حکومت و رفع اشکالات درونی آن منجر می‌شد.

زنی هست به نام «سوده همدانی» از شیعیان حضرت امیر (ع) بود. معاویه بسر بن اربطاه را به عنوان والی گماشت و او هم به ظلم مشغول شد. سوده برای اعتراض به دربار شام رفت. معاویه تا او را دید گفت ای دختر اسک! آیا تو نبودی که روز صفین رجز می‌خواندی و برادرت که در سپاه علی (ع) بود اینگونه با شعر خطاب می‌کردی که «در مورد تکلیفت تلاش کن و مانند پدرت باش ای ابن عماره! روز جنگ و برخورد دو گروه! و علی و حسین و لشکرشان را کمک کن و قصد خواری هند جگرخوار و فرزندش

۶۳ سیدرضی، نهج‌البلاغه، ص ۳۶۸.

۶۴ نصر بن مزاحم، وقعة صفین، صص ۲۶-۳۲.

معاویه کن. همانا امام برادر پیامبر محمد (ص) است، پرچم هدایت و نماد ایمان است. او را با لشکرها مواظبت کن و جلوی پرچم سپاهش با شمشیر و نیزه برو.» بعد بین او و معاویه بحثی در مورد حقانیت علی (ع) و عقب ننشستن سوده از آن شد تا او اعتراضش را به ظلم‌های بسر گفت. معاویه هم گفت دستور می‌دهم تو را بر شتری برهنه تحویل بسر بدهند. سوده هم با گریه این گونه شعر خواند: «خداوند بر جسمی که قبری او را دربر گرفته که در آن عدل مدفون شده. با حق سوگند خورده که همتایی برای او نگیرد و و تنها با حق و ایمان قرین گشته است.» گفت: چه کسی را می‌گویی؟ او گفت علی، پرسید چرا؟ سوده گفت: او کسی را بر مالیات ما گماشت که بر ما سخت می‌گرفت. من پیش علی رفتم. او نماز می‌خواند بعد نمازش را رها کرد. سپس با مهربانی و توجه به من گفت: حاجتی داری؟ من به او خبر دادم. بعضی می‌گویند در این بین هم از یکی از سیستم امنیتی خود درستی را پرسید. بعد گریه کرد و گفت: خدایا تو شاهدی بر من و آنها همانا من آنها را به ظلم به بندگان و ترک حق تو فرمان نداده‌ام. سپس پوستی از جیبش خارج کرد و متنی نوشت و بدون مهر کردن به من داد. در آن نوشته بود: هنگامی که نامه مرا خواندی مسئولیتت را نگه دار تا کسی را بفرستم که آن را از تو بگیرد! معاویه گفت برایش بنویسد که انصاف و عدل رعایت کنند. سوده گفت

فقط خودم یا برای همه چنین کنند. معاویه گفت: بقیه به تو چه مربوط است؟ سوده گفت: به خدا این فحشا و پستی است. اگر عدل فراگیری است مطلوب است وگرنه من مانند دیگران از مردمم هستم. معاویه گفت: هیهات! فرزند ابوطالب (علی (ع)) جرئت به حاکمان را به شما چشاند است.»^{۶۵}

طرفداران حکومت علی که می‌خواستند حکومت علی (ع) را حفظ کنند، در برابر دشمن و برانداز محکم می‌ایستادند، رجز می‌خواندند و شمشیر می‌کشیدند. اما اگر می‌دیدند جایی در حکومت اشکالی وجود دارد، تذکر می‌دادند. مثل اینکه شما در یک خانواده اشکالی وجود دارد، احترام می‌گذارید، رعایت بزرگ‌ترها را می‌کنید؛ اما وقتی اشکالی وجود دارد به عنوان یک عضو از این خانواده دل‌سوزانه تلاش می‌کنید تا آن اشکال اصلاح شود، بدون آنکه دیگران بتوانند سوءاستفاده کنند.

حفظ نظام، دفاع از نعمت جمهوری اسلامی و اصلاح آن، همه اینها با هم است. همه ما بزرگ‌ترین حامیان جمهوری اسلامی هستیم و هر جایی هم که می‌بینیم اشکالی هست برای حفظ نظام باید امر به معروف و نهی از منکر کنیم، ایده بیاوریم، جایی آستین بالا بزنیم و خودمان مشغول کار شویم تا حکومت اصلاح بشود. چه درون حکومت باشیم، چه بیرونش. همین تعبیر شهید بهشتی که: «این انقلاب و این جامعه آن قدر کار درش

۶۵. محمدباقر محمودی، نهج‌السعادة فی مستدرک نهج‌البلاغه، ج ۵، صص ۴۱-۴۴.

هست که دیگر استراحت بی استراحت. آن قدر کار هست که می توان انجام داد بی آنکه هیچ پست و سمت و حکم و ابلاغی در کار باشد.»

◆ وفادار فداکار، راز ماندگاری جمهوری اسلامی

این شرایط که چرا جمهوری اسلامی تا الان مانده است، نه صرفاً به خاطر نیروهای نظامی و توان دفاعی ماست (که به جای خود مهم هم هستند)؛ علت ماندگاری در این است که جمهوری اسلامی طرفداران فداکار دارد که تکلیف دینی، شرعی، عقلی، ملی خود می دانند که از آن دفاع کنند. جمهوری اسلامی مثل حکومت حضرت امیرمؤمنان (ع) طرفدار فداکار دارد. حکومت حضرت امیر را محدودش کردند اما نتوانستند ساقطش کنند، اما حکومت حسن بن علی را نتوانستند بر اندازی کنند چراکه طرفدار فداکار نداشت. از صد و سی هزار شمشیر زن کوفه تنها دوازده هزار نفر آمدند؛ هشت هزار نفر به سپاه دشمن فرار کردند، چهار هزار نفر دیگر هم که ایستادند شعار می دادند بس است! زنده بمانیم!^{۶۶}

جمهوری اسلامی طرفدار فداکار دارد، که حتی اگر جایی در این سیستم به آنها بی توجهی یا کار ناروایی هم شده باشد؛ حاضرند از آن دفاع کنند و برای آن هزینه بدهند. مالک اشتر در حکومت حضرت امیر (ع) مورد ناروایی های زیادی می شد. حتی حلقه نزدیک به او افراطی و تندرو

میگفتند، اما امثال مالک اشتر، عمار، سوده همدانی و... قهر نمی‌کردند، بهانه نمی‌کردند. طرفدار فداکار اهمیتش در همین است. طرفدار فداکار وقتی می‌بیند که جهت‌گیری کلی درست است و یک گوشه‌ای اشکالاتی دارد، آن اشکالات را متذکر می‌شود؛ اما از اساس نظام دفاع می‌کند. ظلم‌های کوچک را وسیله ظلم بزرگ یعنی زدن پایه‌های حکومت دینی نمی‌کنند؛ نظام را به خاطر آن ظلم‌های کوچک فدا نمی‌کنند.

ما در خیلی از آرمان‌ها جلو آمده‌ایم؛ اما ضعف‌های بسیاری داریم. در آرمان‌هایی مثل عدالت عقب‌ماندگی داریم. این عقب‌ماندگی‌ها را مقایسه می‌کنیم با بقیه و ریشه‌یابی می‌کنیم که از کجا آمده‌اند و آدم‌های مثل ما نقشمان در این عقب‌ماندگی‌ها چقدر است؟ چقدر این عقب‌ماندگی‌ها به خاطر بی‌عرضگی ما بوده، چقدرش برای دخالت خارجی بوده، چقدرش برای این بوده که بحران‌های مختلف داشتیم و... و در نهایت به دنبال رفع آنها می‌افتیم. نباید این ضعف‌ها ما را شل کند. الآن باید نظام را حفظ کنیم، اما بعد از این که اغتشاشات خوابید، برای حفظ همین نظام باید برویم و اشکالاتی که در سیستم هست را شناسایی و اصلاح کنیم. نیروهای حافظ نظم و امنیت باید رفتارهایشان درست شود. بچه‌هایی که احتیاج به نشاط دارند برایشان شرایط و محیط خوبی فراهم شود. برای جوانان جویای کار فکری شود، نظام

عادلانه باشد، نظام پیشرفت داشته باشد، نظام رشد اقتصادی داشته باشد، نظام از شر مذاکره برای رفع تحریم خلاص بشود و شروع کند به بی‌اثرسازی تحریم‌ها و بالاتر با دست گذاشتن روی تکنولوژی‌های پیشرفته به ساختار تحریم‌ها حمله کند، آسیب‌های اجتماعی را رفع کند و... .

این کارها حفظ نظام است. حفظ نظام فقط این نیست که به‌صورت سلبی امنیتش را حفظ کنیم باید این اصلاح‌ها اتفاق بیفتد. طرفدار فداکار کسی است که در صحنه حاضر است؛ اگر همه مسئولین هم بروند؛ اما این طرفدارهای فداکار جمهوری اسلامی می‌مانند و این علم را نگه می‌دارند. اول این سیستم باید بماند و بعد تک‌به‌تک برادرانه باید برای اصلاح به‌عنوان یک فرزند توی این خانواده نظام عمل کنیم. هر کس اصلاح را از هرجایی که هست باید شروع کند. همین تعبیر آتش به اختیاری^{۶۷} که حضرت آقا می‌گوید.

از خودتان باید شروع کنید! شما تازه دانشجو هستید، این حفظ نظام یک بخش جدی‌اش همین تبیین است. اصلاً این جنگ ذهن شما را می‌خواهد به این نتیجه برساند که جمهوری اسلامی نتوانسته است. می‌خواهد هیبت جمهوری اسلامی را برای شما کم‌رنگ بکند و

شما را به سمت این که خیلی خوب چه فرقی این نظام با حکومت های قبلی داشته است. به همین جهت جهاد تبیین بسیار مهم است و کارویژه اصلی شما جهاد تبیین است. یعنی آگاه کردن دیگران و گفتن حقایق.



حرکت به سمت آینده

خدا این نسل را برای دوره های عزت جمهوری اسلامی آورده است، رهبر انقلاب برای نسل شما دارد می گوید، ایران ۱۴۳۵، می گویند که ایران باید رتبه اول علمی دنیا بشود: «من این را از شما جامعه علمی کشور توقع می کنم که شما پنجاه سال دیگر - پنجاه سال، نیم قرن است - در رتبه بالای علمی دنیا قرار داشته باشید؛ این توقع زیادی است از یک ملت بااستعداد؟ اما اگر بخواهیم این اتفاق بیفتد، از الآن باید سخت کار کنیم. شرطش تنبلی نکردن است؛ غفلت نکردن است؛ خست نوزیدن است؛ از ورود در این راه وحشت نکردن است و میدان دادن و پرورش نخبگان علمی است.»^{۶۸} فارسی باید زبانی بشوند که هر کس برای این که بتواند به علم برسد بیاید و زبان فارسی را یاد بگیرد، مثل الان که همه ما مجبوریم انگلیسی یاد بگیریم: «ما پنجاه سال دیگر (نمی گویم ده سال،

۶۸ (۱۳۸۵/۰۳/۲۹) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی.

پانزده سال دیگر) در دنیا و در سطح عالم، حرف اول علمی را بزنیم؛ یعنی مرزهای علم را ما تعیین کنیم. کار به جایی برسد که زبان ما - که زبان فارسی است - در دنیا زبان علم بشود.^{۶۹} یا سال ۱۴۳۷ که پایان گام دوم انقلاب اسلامی است. اهدافی که درون گام دوم انقلاب هست همچون علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن و سبک زندگی که اینها را نسل شما قرار است، محقق کند. ایران ۱۴۴۴ یا ۱۴۵۰ که نقطه هدف الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت^{۷۰} است و قرار است الگویی از تمدن اسلامی بسازیم. بالاتر از همه اینها ایران ۱۴۵۵ پایان قرن پانزده هجری قمری که پایان وعده‌ای حضرت امام راحل است: «هان ای مسلمانان جهان، و مستضعفان تحت سلطه ستمگران، بپا خیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است.»^{۷۱}

انشاءالله شما هستید و میدان و علم را به دست می‌گیرید و عزت اسلام را محقق می‌کنید و می‌بینید. این حفظ نظام یک بخشی‌اش الآن اجرای احکام است و دفاع از نظام، بعد تلاش برای تحقق اهداف و انقلابی نگه

۶۹. ۱۳۸۵/۰۷/۱۲) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار استادان و اعضای هیئت علمی دانشگاهها.

۷۰. ۱۳۹۷/۰۷/۲۲، فراخوان رهبر انقلاب برای تکمیل و ارتقای الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت.

۷۱. سید روح الله خمینی، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۷۱.

داشتن نظام، یک بخش دیگرش آینده است و آن تمدن اسلامی است. اینکه امام راحل می فرمود: «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظهای مسئولین را از وظیفهای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید؛ ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند.»^{۷۲}

ما این نظام را برای آینده می خواهیم. این است که آن نسل قبل تر از ما این همه تلاش خودش را می کرد، چرا که می ترسید جمهوری اسلامی مثل حکومت امام علی و امام حسن، مشروطه و نهضت نفت، انقلاب الجزایر و... بشود. می ترسید که باز هم ظهور حضرت مهدی به عقب بیفتد چرا چون جامعه آمادگی ندارد و این نعمت وجود جمهوری اسلامی است که ما امروز می توانیم به این چیزها فکر کنیم، در مورد تمدن اسلامی گفتگو کنیم و... .

◆ احیای ارزش‌ها

نگذارید کاری کنند که در لحظه بمانید و بعضی ضعف‌ها از پا بیندازدتان. ارزش‌ها کم‌رنگ نشده است. مقایسه کنید با دهه‌های شصت و هفتاد. میزان پایبندی خودجوش به آن ارزش‌ها در جهان باز امروز با اینترنت و ابزارهایی از این دست با جهان فریزشده آن روز. خود شما چگونه به انقلاب وفادار شده‌اید؟ این یعنی انقلاب در حال رشد است. مدام باید تعدادی از آدم‌ها باشند و این ارزش‌ها را پررنگ کند. هی یک نسلی دیگری بیاید و شروع بکنند به آرمان‌گرایی و ارزش‌ها را زنده نگه دارند. شما هم هرچقدر توان داشتید باید تلاش کنید و نسل پنجم انقلاب را هدایت و راهنمایی کنید که آنها انقلابی‌تر از نسل شما بشوند. من واقعاً خیلی وقت‌ها هست که می‌بینم تعدادی از این جوان‌های همسن شما می‌آیند و از خود ما انتقاد می‌کنند و انتظارشان از انقلابی بودن خیلی بیشتر از چیزی است که مثلاً ما نسل سومی‌ها هستیم. خیلی خوشحال می‌شوم. چرا؟ چون می‌بینم انقلاب آن قدر رشد کرده است این جوانانی که نه امام و نه جنگ را دیده‌اند، هیچ‌کدام از این چیزهایی که نسل ما و قبل ما مستقیم و غیرمستقیم پرتوی از آن به ما رسید، به او نرسیده است ولی آمده و روی این فضاها ایستاده است و اهداف انقلاب را دنبال می‌کند و مدعی خود ما هم هست که به اندازه کافی انقلابی نیستیم!

راه جلوگیری از کم‌رنگ‌شدن این ارزش‌ها چه چیزی است؟ این است که هرکدام از ما تلاش کنیم هم بفهمیم، هم پایبند بمانیم، هم برای این گفتمان آگاه‌سازی کنیم و دیگران مخصوصاً جوانان را همراه کنیم. یک جایی باید تبیین بکنیم، یک جایی باید مطالعه کرد، جاهایی باید آستین بالا زد و کاری کرد، یک جایی باید پا شد و مسئولیتی بر عهده بگیریم و ماجرا را حل کنیم، یک جایی باید اعتراض کرد. قرار نیست همه همیشه حرف بزنند، یک دوره دانشجو هستید، گفتمان‌سازی کنید، مطالبه‌گری کنید، بعد اما ان‌شاءالله کار را در دست بگیریم و حل کنیم. همه هم در همه شرایط تبیین بکنیم.

درود خدا بر امام و ۲۳۰ هزار شهیدی که به ما نعمت زندگی در حکومت دینی دادند.



منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آقانوری، علی، اهل بیت و مخالفان، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، چاپ اول، پاییز ۱۴۰۰.
- ۳- تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- ۴- خمینی، سید روح‌الله، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۵- خمینی، سید روح‌الله، کتاب البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ اول، ۱۴۲۱ ه.ق.
- ۶- دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، البدایة و النهایة، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۷ ه.ق.
- ۷- راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، دار القلم - الدار الشامیة، بیروت - دمشق، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ق.
- ۸- سرابندی، محمد، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، تهران، زمستان ۱۳۹۶.
- ۹- سیدرضی، نهج البلاغه، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
- ۱۰- عزالدین بن‌أثیر، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه.ق.

- ۱۱- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، انتشارات رضی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۱۲- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری (تاریخ الأمم و الملوک)، دار التراث بیروت، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ه.ق.
- ۱۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه.ق.
- ۱۴- مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ه.ق.
- ۱۵- محمودی، محمدباقر، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶.

امروز ما مواجه با همه قدرت‌ها هستیم و آن‌ها در خارج و داخل دارند طرح‌ریزی می‌کنند؛ برای اینکه این انقلاب را بشکنند و این نهضت اسلامی و جمهوری اسلامی را شکست دهند و نابود کنند. و این یک تکلیف الهی است برای همه که اهمّ تکلیف‌هایی است که خدا دارد؛ یعنی، حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر ولو امام عصر باشد اهمیتش بیشتر است؛ برای اینکه امام عصر هم خودش را فدا می‌کند برای اسلام و همه انبیا از صدر عالم تا حالا که آمدند، برای کلمه حق و برای دین خدا مجاهده کردند و خودشان را فدا کردند.

(صحیفه امام، جلد ۱۵، صفحه ۳۶۵)



همراه ما باشید | Geraa_ir

در این راه هیچ



ایمانت می‌آید